

بازی و کودکی

مریم منصوری شوازی، ملیحه موسی نژاد

www.ketab.ir

سرشناسه : منصوری شوازی، مریم، ۱۳۶۱-
عنوان و نام پدیدآور : بازی و کودکی / مریم منصوری شوازی، ملیحه
موسی نژاد.

مشخصات نشر : تهران : کلید آموزش ، ۱۴۰۰.

مشخصات ظاهری : ۸۲ ص. : مصور.

شابک : ۲۷۰۰۰۰ ریال ۱-۵۳۶-۲۷۴-۶۰۰-۹۷۸:

وضعیت فهرست نویسی : فیپا

یادداشت : کتابنامه: ص. ۸۰-۸۲.

موضوع : آموزش در فضای باز

موضوع : Outdoor education

شناسه افزوده : موسی نژاد، ملیحه، ۱۳۶۴-

رده بندی کنگره : LB1۰۴۷

رده بندی دیویی : ۳۷۲/۱۳۸۴

شماره کتابشناسی ملی : ۲۶۴۱۹۸۵

وضعیت رکورد : فیپا

بازی و کودکی

مریم منصوری شوازی، ملیحه موسی نژاد

ناشر: کلیدآموزش

نوبت چاپ: چاپ اول- ۱۴۰۰

شابک: ۱-۵۳۶-۲۷۴-۶۰۰-۹۷۸

شمارگان: ۲۰۰ جلد

قیمت: ۳۵ هزار تومان

مرکز پخش: تهران- خیابان ۱۲ فروردین- روبروی انستیتو

پاستور، بن بست فتوره چی- پلاک ۱۰

تلفن: ۰۲۱-۶۶۴۱۹۷۳۲

فهرست

۵	پیشگفتار
۷	فصل اول: مدارس طبیعت
۸	فعالیت‌های مدارس طبیعت
۱۰	ارزش و اهمیت ترکیب سنی آزاد برای بچه‌های کوچکتر
۱۳	تعامل کودک و تسهیلگران در طبیعت
۱۶	مبنای فلسفی مدارس طبیعت
۱۸	بنیان‌های نظری لزوم مدارس طبیعت
۲۴	انواع تجارب کودک در طبیعت
۲۶	زمان و پنجره تکاملی سن در طبیعت
۳۰	اهمیت مدارس طبیعت
۳۱	ویژگی‌های مدارس طبیعت
۳۲	مزایای مدارس طبیعت
۳۳	نقش تسهیلگر
۳۷	ویژگی‌های تسهیلگر
۴۱	بایدها و نبایدهای اخلاقی تسهیلگر
۴۲	ارتباط مناسب با کودکان
۴۳	لحن و تن صدای تسهیلگران

۴۳	یادگیری مبتنی بر تجربه
۴۵	برنامه مدارس طبیعت
۴۵	یادگیری مبتنی بر بازی
۴۸	انواع بازی
۵۱	اهمیت بازی را در زندگی کودکان درک کنیم

۵۵	فصل دوم: موقعیت‌های دشوار تسهیلگری در ارتباط کودک با طبیعت و راهکارهایی برای رویارویی با آن
۷۰	پرهیز از خشونت و هرگونه تنبیه بدنی کودکان در مدرسه طبیعت
۷۱	در هنگام صحبت کردن با کودکان چه باید گفت، چگونه باید گفت؟
۷۲	مهارت‌های تسهیلگرانه صحبت کردن با کودکان
۷۴	تجربه زیسته برخی کودکان در مدرسه طبیعت گندمک
۷۸	منابع

مقدمه

وقتی به خاطرات کودکی بر می‌گردم آنچه در ذهن من هم چون ستاره‌ای پر فروغ می‌درخشد، خاطراتی است که با دیگر کودکان محله در رودخانه انتهای محله‌مان رقم خورد. به آنجا رودخانه می‌گفتیم، سالیان دور آنجا به معنای واقعی رودخانه بود ولی دیرزمانی است که دیگر آبی در آنجا جاری نشده ولی همچنان اهالی محله به آنجا رودخانه می‌گویند به گونه‌ای که برای رفتن به آن سوی رودخانه نیاز بود چند متری را به جلو بروی تا به یک پل سیمانی برسی و به آن سمت رودخانه که به آن صحرا می‌گفتند بروی، رودخانه آبی نداشت و گاه بچه‌های محله برای آنکه به بالای صحرا برسند و حوصله‌ای برای رفتن و رسیدن به آن پل سیمانی نداشتند دنبال راه‌های مختلفی بودند که از رودخانه یابین بروند. صحرا از گیاهان خارشتر و جعجه پر بود. گاه جعجه‌های قهوه‌ای رنگ رسیده را می‌کندیم و تکان می‌دادیم و از صدای آن لذت می‌بردیم و با کنجکاوی بسیار آن را می‌شکستیم تا ببینیم چه داخل آن است؟ گاه مورچه‌هایی را می‌گرفتیم و داخل آن سوراخ‌های مخروطی شکل که همانند قیفی در زمین بود می‌انداختیم تا مورچه‌ها حین تقلا کردن برای بالا آمدن از آن شیب، حشره‌ای را که در انتهای آن فضای قیف مانند در انتظار طعمه است را بیرون بکشد و وقتی که ناگهان آن حشره مورچه را می‌گرفت و به داخل می‌برد هیچان زده می‌شدیم و مورچه دیگری را می‌گرفتیم و کار را تکرار می‌کردیم.